

کوشش نامتفکلی

بمناسبت

مقاله‌های گویان

نظری بگذشته گردستان

دوات باید از خبیث‌های گذشته هیرت گیرد

نتیجه هر عمل را باید بچشم چندسال بعدنگریست

نوه دماغی آدمهای مصنوعی دست و چاشمه خود ملحق کرده بدست آنها کارهایسی انجام میدهند .

شاهنشاهی ایران ! بجای اینکه از اکتشافات خارق‌العاده بشر استفاده نموده خود را تقویت کند در منزلت بودن وحدت و یگانگی خود تصویری نورزیده دست‌های قوی و مومس شود که بسوی او دراز می‌شیرند رد نموده است .

آنها دستهایی میباشند که تنهاییاری صاحبان کنبوج (پسر کوروس) به پیش رفتن ، داریوش پسر از مدیترانه گذشت قدم بفاک اروپا گذاشت .

دستهایی میباشند که نفوذ و قدرت سلوکیدها را از ایران برانداخته ، شایبه ننگینی که داریوش سوم بزنگانی آزاد ایران وارد ساخته بود پاک نموده .

دستهایی میباشند که در تحت لوای شاهنشاه ملی خود ساسانیان ، مرزهای ایران را بدیترانه رسانیده امپراطوری باعظمت روم را در درکاب شاهنشاهان خود بزانو درآوردند .

پس از اسلام هم مرصه را بسواران عرب که شهادت در جنگ را تنها وسیله برای رسیدن به پیشت موجود دانسته ، در

عالم خیالات خود را پس از کشته شدن در باغ ارم ، در زیر سایه درخت طوبی و در کنار انبار شیر و عسل ، در میان گل‌های رنگارنگ بر مظهر ، باحوری‌های الهی حسن و عفت هم آغوش دیده بسا ذوق و شوق فراوان ، وح خود را از این

کالبد دوزخی رها و مینبای پرواز برش اعلا آسمان کرده با ایسانی قوی حله به دشمنان دین نازده خود می نمودند . به تنگ آورده ، در فارس نامه این الهی عبارت ذیل را ثبت نموده :

« چندان شوکت که لشگر فارس را بوهی از این کردان بودی که سخت بسیار بودند »

آری صاحبان این دست‌ها پس از خوابی درازی که بر از رویای مغفوف و تلاکت باور بوده بیدار شده با آغوش باز بطرف بار قنبری ، برادر زاده‌های خود طایفه فارس روی آورده بپسای سینه بر مهر و محبت با سر نیزه‌های سم دار معادف شدند .

وقتی دولت ترکیه از روح بیزارو سرکش اسمعیل آقا معروف به سید بنویر علیه دولت شاهنشاهی ایران استفاده‌ها

بقیه در صفحه ۸

بشر از بدو خلقت تا با امروز برای تأمین زندگی خود دست به تشکیلات مختلفی زده ، برای مقاومت در جلوه حوادث سخت روزگار همیشه سعی در تقویت نمودن جامعه خود نموده از این راه استفاده‌های شایانی برده است .

خانواده نیلوار بالاخر ملت به‌هامت‌ها در تحت تاثیر این احتیاجات بوجود آمده اند .

در عصر اخیر عقیده‌های مذهبی که پلیس مبرمات بشر بوده ، در تنها ترین توافق زندگانی هم شمس را از مد نظر دور نداشته و در جلوگیری از اعمال

منافی دین خلقت نمی ، وزید رو با صلوات گذاشته جای خود را به بلع احساسات ملی و آزادی‌خالی نموده است . زمامداران ملل برای اینکه ضعیفی در ارکشان روی

نداده ، تنها به تقویت ملت خود کوشا بوده بلکه زاده‌های دیگری را که در درباری کولتور خود عظیم و رنوده‌اند با جدید فراوان می‌دارند در خود تحلیل برده ، از این هم جلوتر رفته باستقامت

دولت از انتخاب این ره خلق آسان قطعا جهانی دارد .

روزنامه کبیان اگر بجای صدور فرمان جهاد ، راه بهتری نشان میداد و قدری هم توجه خود را به تماشا‌های مردمان کردستان شمالی معطوف میداشت

و در اصل و چگونگی پیدایش نهضت ارکاد در این ناحیه تحقیق میکرد قطعا نوشته‌هایش دلنشین تر ، جالب تر و مفید تر می‌بود و کسی هم بدان اعتراضی نداشت .

روزنامه کبیان بدون توجه ، بی‌واقف امر حمله ارتش را متأسف و ضروری می‌دانند می‌نویسد : دو تنگه چنین شورش ها و ناامنیها رخ داد وظیفه حکومت مرکزی و سربازانی که برای چنین روزی تربیت شده‌اند جز سرکوبی آنها چیست ؟

روزنامه کبیان اوضاع کنونی کردستان شمالی را با طینان فلان رئیس قبیله مشابه دانسته و از این دو فرمان جهاد میدهد ، غالی از ایند ، اگر بفرض هم جریان ملی کردستان شمالی مانند

طینان فلان رئیس قبیله باشد باز هم قبل از اقدام به سرکوبی خوب است در دولت اصلی طینان تنفس نمود و فیهب چرا

تلان رئیس قبیله طینان کرده است .

بقیه در صفحه ۸

کردستان شمالی به فعالیت خود ادامه میداد . قراردادی بین آذربایجان و این قسمت بسته شد . لایحه‌کافی برای مذاکره بطهران آمده و به هم سرایت کردند . تصادف‌هایی بین نیروهای کردستان شمالی و قوای دولتی متمرکز در ناحیه جنوبی این منطقه روی داد . مستسکی بدست مخالفین افتاد

زمزمه شوم و راهنمایی غیر خواهانه ای یکی دو روزنامه بپا شد که باید باین وقایع با حمله ارتش برانداخت و متعاسرین را تار و مار کرد .

از همان اوقاتی که از دو سه هفته قبل بعضی از جرایم نشان‌دار این آنگه شوم را در مجازات فریبنده توجه سرانی میکردند ؛ بعضی از مطمین با اوضاع

آزاد زمینه سازی برای تهیه مقدمات حله مسلحانه دولت سرینداخته و اینطور پیش‌بینی میکردند که دیر یا زود این

نوعه‌های مزاولدینشی از حلقوم‌های دیگر نیز بلنه وهم آواز شده بپیدایست که روزی برسد دولت را بچنگ و خونریزی بکشاند .

حالات بی سابقه کبیان ، شوخی‌های زلته و لعن تمسخر آرمیز اولیت مقاله نوشاد و تست اول سرمقاله روز

چهارشنبه و اقامت غیر منتظره بود . ما از روزنامه وزینی مانند کبیان که نویسنده و مدیرش نزد ما احترام

بخصوصی دارد چنین انتظاری نداشتیم ما روزنامه کبیان را روزنامه

آبرومند وزینی می‌پنداریم و هنوز هم نمی‌توانیم علت این حالات را پیش‌نمود مجسم شاییم و نیشوایم قبول کنیم که برای زمینه سازی روزنامه کبیان آت شده باشد .

ما انتظار داشتیم روزنامه کبیان در مسائل مهم و مسائلی مانند کردستان عادلانه قضاوت کند و بهتر راهنمایی نماید .

آقای فرامرزی مدیر معتمد روزنامه کبیان باید اطمینان داشته باشند که دولت و مخصوصا وزارت جنگ بهترین هر روزنامه نویسی روحیه ارتش دانی

داد و به چگونگی طرز فکر و عمل اغلب افسران ارتش اطلاع دارد و شاید تا حدی هم از قدرت ارکاد شمالی مستحضر باشد . اگر دولت تشخیص میداد

که بانک حله میتوانه همه را بر جای خود نشاند و همه ای را به مورخ‌ها فرار دهد و این اقدام را عقیده بحال مسلکت می‌دانست قطعا تا بحال بان امر مهم همس گمارده بود . ولی خودداری

در همان ایام که موضوع آذربایجان کم کم در ردیف مسائل روز بروز میگرفت ، ما در ضمن مطالعه جرایم مرکز باین نکته متوجه شدیم ، که اغلب روزنامه‌های تهران اقدامات سردمان

آذربایجان را مشروع ، قانونی و بیخ جلوه داده در مقام دفاع بر می‌آوردند . ولی اگر در همان اوقات نامی از کردستان

بیان می‌آمد لعن‌ها تئیر کرده ، حتی طوری میشد که گاهی از ذکر عبارات زلته و توهم آرمیز نسبت به عموم ارکاد نیز خود داری نمی‌نمودند .

موضوع آذربایجان کم کم بزرگ شد . قیافه‌ش بهتر نمودار گردید ؛ روش روزنامه‌ها هم معلوم تر شد . همه ای جدا مخالف و همه‌ای کاملا موافق

و جرایم مباره رو ضمن سعی در حفظ بی طرفی موافقت خود را با اقدامات آذربایجان گاه بصورت تند و اندرز و گاه بشکل راهنمایی و غم خواری اعلام میداشتند .

موضوع آذربایجان بزرگتر شد ، مهمترین قضیه و بیخ ترین مشکل گردید در اینجا بزرگش مسائل آرمیز رسیدگی

به تقاضای آذربایجانیان ؛ آذربایجان سر ایران است ، آذربایجانی همیشه بشوای آزادی بوده و ۱۰۰۰۰ صلوات جرایم مرکز را بر کرده و در آغوش

گرفته آذربایجان به ولت‌های وقت توصیه میشد .

دهای زبانی ، اختیارات محلی ؛ امتیازات و غیره در حق مشروع آذربایجان دانسته بطوریکه در اعلامیه دولت هم طی هفت ماده امتیازاتی برای ساکنین آذربایجان شناخته شد .

اما کردها ... ! کردها در نظر روزنامه نگران از با اکثرین نژاد ایرانی بودند ؛ میبایست

حرمه داشته بر دیار باشند ؛ برای آنها صحبت از زبان ضلوی بود ، زبان کردی لهجه‌ای بود مانند گیلکی ، نیش آنها

شبه به نضت چاله میدانیها بود ، آنها ماچرا جو ، سر کرده بگبر ، راهرن و باغی بودند ، تقاضای اختیارات محلی برای آنها خنده‌آور و مضحک بود ؛

آنها طالب تجزیه ایران و غایب به آب و خاک بودند ؛ هیچگونه اوقان دو باره آنها جایز نبود . جواب آنها بانسوپ و تنفک میبایست داده شود .

این متعاسرین ؛ که به کمک اجاب بروی وطن شمشیر کشیده‌اند میبایست نسایود گردند .

تفسیر سیاست هفته

یورپ:

از صلح دائم و ضامن دائمی آن و...
صحن گفت

در دو هفته پیش تعلق رفیق مولوتف و مستر برنس را که واقع بکنار اس پاریس و مطابق اوضاع سیاسی جهان اشکالاتی که در راه ایجاد یونین دنیای آزاد و صلح دائم بود نوشتم در این هفته تعلق سیاسی یونین را که در حقیقت جوایز به دو تعلق تاریخی گذشته میباشد تفسیر خواهیم کرد.

یونین سیاست خارجی حزب کارگر را که هفت و هشت و نهمی آن مدتهاست روشن گردیده اینطور تشریح نمود:

آنها امروز با آن دورو هستیم و همین مناسبت وظیفه ما دشوار تر از سال ۱۹۱۸ میباشد آنست که ملت های باختر که دارای فرهنگ مشترک و عادات متشابه میباشند با ملت های اسلاو که تاریخ و پیشرفت تمدنشان با ما یکی فرق دارد سازش حاصل کنند. این مشکل حل نخواهد شد مگر با حسن نیت دولت های ذینفع که باید آزادی یک مشترک مسائل مورد بحث نام نهاد اینکار مستلزم صبر و شکیبائی است ولی منت مستقیم که بالاخره ما بعین تمامه متعادل نائل خواهیم شد ولی موضوعی که مانع این حسن تقاضم خواهد شد همانا اتحاد سیاست انفرادی و در نظر گرفتن منافع کاملاً مشروع ما میباشد.

طبق روشی که بالاخره بطرح نقشه امنیت جهانی منجر خواهد شد امنیت کلیه کشورها باید فدای امنیت یک کشور بخصوص بشود. یعنی اگر دولت شوروی با مورد کشورهای داووب حلاله مند است و میل دارد سیاست مقصومی را در این ناحیه پیش گیرد ما نباید راضی شویم که از کشتی را در این رودخانه های آزاد معروف باشیم و در مورد مرزهای یوگسلاوی باید نظر گرفتن اصول آزادی و جنر فیائی باید سرانجام مرز آنها تعیین گردد و ترتیب برای همیشه یک بندر بین المللی است و در انجین آئینده پاریس این دو موضوع بهتر بررسی میشود و در خصوص مسئله آلمان و اتریش حسن تقاضم کامل لازم است و در بیرامون قضیه سیرنایک بریتانیا موظف است بمه خود وفا کند و همانطور که وعده داده نکرده دسیرنایک باز دیگر تحت سلطه ایتالیا در آید.

بدین ضمناً اظهار نمود بما اینکه این جنگ بیش از جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ اروپا را دچار تلفات کرده است و تلفات فزونی مستولین کنونی بیش ز مسائلی است که مدفنین صلح در سال ۱۹۲۹ با آن مواجه بودند. همدا باید بنای صلح دائم را بی ریزی کرده و از جنگ مجدد خود خودداری نمود زیرا دنیا طالب جنگ نیست.

در صورت مستر یونین خست تعلق خود دوسه مهم زیرا که کلیه مشکلات دنیای کنونی بر روی آن استوار است تشریح نمود.

۱ - کنار آمدن با شوروی برای حل مسائل اروپا و استقرار صلح دائم

دنیا و ایران در هفته پیش

۲ - اینکه تمام دول منظم تنها در اروپا بلکه در تمام دنیا باید بطور تساوی در حل مسائل جهانی شرکت نمایند.

ولی ملل صلح و عناصر واقع بین بخوبی میباشند که گذشته از این تعلق های دیپلوماسی باید روابط دیپلوماسی کلیه دول جهان بر یک مبنای صحیح گذاشته شود تا اقدامات لازم و حیثی بنظر ایجاد یک دنیای آباد و آزاد به بهترین وجه عملی گردد.

در ایران ما چه میگذرد

اعلامیه نخست وزیر در معاضد خودی و بیگانه دو طرفه رفتار و بیعوضت مختلف مجسم نموده است. ۱ - سکرانی شده در معاضد کهنه پرستان.

۲ - شوق و جوش و خروش مابین اصلاح طلبان

معاضد عقب مانده و کهنه پرست که در این روزهاست مضطرب و سکران میباشند چون روح حقیقت را در این اعلامیه می بینند جدا بجاوس شده میکنند. افتاده اند اما آزاد بخواهان که به واقع یعنی جرئت و ایمان نسبت وزیر امیه - وارند به پیروزی خود معترض چشم و راه خود را برای وصول به هدف الهائی مقرر یافته و پیش میروند.

نکات مهم اعلامیه اینست که آزاد بخواهان در یک صف واحد و ملی برای حصول موفقیت باید شرکت مسامی کنند و زندگی آورده و آزاد را برای خود و برای عموم انفراد تمامه طبقات زحمتکش و دهائین آماده و مهیا سازند و مادام که عناصر انتحالی خیار راه موفقیت دولت هستند با قدرت فائزون سرکوت میشوند و جهت موفقیت در این راه سخت با تحمل زحمات عظیم و دعوت از عناصر مترقی باید شروع به اجراء اصلاحات اساسی نمود.

انتخابات

انتخابات دوره یازدهم مجلس در ایرا زود شروع خواهد شد و چون اساس این موضوع باید متعلق با اوضاع و احوال سیاست فعلی گردد گویا دولت منتظر است پس از حل فریب الوقوع مسئله آذربایجان وهم آهنگ نمودن سایر نقاط با متعقد مزبور دستور کلی انتخابات را صادر نماید.

حمله و جنگ در کردستان

در هفته پیش بعضی اجزای اذربایجاری منتشر بودند که در ۱۳ خرداد عده متجاوز از ۴۰۰ نفر با سه تانک و چند طیاره بمختصر قوای مستعظم دموکرات کردستان حمله نموده اند. این حمله دستوری معلوم نیست بخت انکار چه مقاماتی بوده است و اسلحی معطین هستیم تا ایلات و طوخواهان آذای تمام سر انجام تنها راه پیشنهادی ما را که

«حل مسالمت آمیز قضیه کردستان» و دلجوئی از عناصر

میهن دوست کلیه نواحی منتقد مزبور میباشد خواهند پذیرفت و این نیت را که انعکاس امیال مردم کردستان است ناید خواهند کرد.

ایران و یونین

جهان در هفته پیش جرجیل از همکاران قدیمی خود تمجید میکنند !!!

پس از تحقق مفصل یونین و ضمن مهائات مجلس عوام جرجیل لیدر حزب کنسرواتیو (مخالف دولت) نظمی ابراد کرد و در آن یونین همکار قدیمی خود را مورد تمجید قرار داد و سیاست دولت کارگری را تحسین کرد.

جرجیل بگمونتیت ها اعانت نمود و انتقادات یونان را عادلانه ترین انتقاداتی است در تمام بالکان قلمداد کرد و از اسبابا و فرانکو نیز حمایت نمود. و با این پشتیبانی بدولت ملی لهستان حمله کرد و ضمناً اظهار داشت که ادامه همبانی اردن و آزدن امریکا نمیتوانه بطلع شوروی باشد عتاب امریکا که بر جایگاه خویش نشسته بر نده عظیم و تیر وندی است او دنمار و چنگالهای نیرومندی دارد. اکنون این بر نده به حرکت نشسته ولی اشتباه بزرگی خواهد بود که تصور شود در سینه این عتاب و آینه افغان ایستاده

جرجیل دوباره شوروی صحبت کرد و گفت: «ما الا ن در برابر خط گریزن هستیم. اکنون دیگر از خط رودا در صحبتی در میان نیست. مرز روسیه در شمال بر روی ادر قرار ندارد بلکه بر رود اب است.»

تعلق و یونین جرجیل با تمجیر های مختلف در جرایم مخالف و موافق تفسیر میشود. همه ظهارات او را با جویبمنی و برشی قانع و اساسی تصور میکنند.

هرک کالینین

میخائیل ایوولویچ کالینین که ۲۷ سال رئیس شوراه عالی اتحاد جماهیر شوروی بود در هفده پیش بدوود حیات گفت و در پای دیوار قصر کرمیل بفک سیردهفته کالینین از افراد مبارز و بینظیر شوروی و از موجدین انقلاب اکبرو از رهبران صدیق شوروی و دوستان با وفائی این بود و سناسبت این سایه تاریخی از تمام نقاط جهان تلگر افغانه مسکو مظایره گردیده است. متذکره های سوگداری که در شوروی داده شد و احساسات بینظیری که از طرف ملل اتحاد شوروی ابراز گردیده گواه اینست که این امر ضایعه بزرگی برای دنیای تربیخواه بشمار میرود.

نتیجه انتخابات فرانسه و ایتالیا

برای مرتبه دوم بر خلاف انتظار کلیه معاضد سیاسی احزاب دست راست با اکثریت نامیزی در انتخابات موفق گردیده و حزب سوسیالیست با طرز

عجیب شکست خورد ولی آراء حزب گویست سیصد هزار بیش از مرتبه قبل بود. بهر حال مجلس مؤسسان جدید فردا ساعت ۱۵ تشکیل میشود و یک جلسی سنی (سبزو مارسل کاسن) انتخاب و هیئت دولت و کونست بلا فاصله استعفاء خود را تسلیم خواهند نمود ولی تا انتخاب هیئت دولت جدید این کابینه امور های کشور را انجام خواهند داد در هر صورت نتیجه انتخابات فرانسه مسکوس بود و ملت این امر بی رضایت شده احزاب دست راست در مناطق غیر صحتی و کدک اسپریالیزم جهانی بود و پس ولی بر مکتب فرانسه نتیجه انتخابات ایتالیا همان بود که آزاد بخواهان انتظار داشته بدین سنی که اکثریت آراء بر له جمهوری و یک رقم نامجزی بر علیه سلطنت بود و بدین ترتیب « آمبرانوی دوم » و ملکه ماری روزه هسار او و چهار نفر فرزندان آنها با یک روزگار ایتالیائی بودی اسپین مبرونه و پس از ۱۹ روز سلطنت ایتالیا را ترک میگویند و بدین شکل سلطنت ۸۵ ساله خانواد مسالوا بر ایتالیا منتهی پایان میپذیرد.

نظر کنونی بر رویدادهای جهان

در هفته پیش جشن پیروزی دولتهن انجام گرفت. مذاکرات معادله پیروزانه خارجه دوبار پاریس تا کدون نتیجه رسیده است. افوار استینیوس از سانسیتوکی امریکا در شورا امنیت است. فداد بدین ترتیب بیشتر از همکاران قدیمی برزیدت و دولت از همکاری با مستر ترومونت خودداری میکنند. خوراها امنیت در جلسه اخیر خود از ایران و اسپانیا صحبتی نکرد. فرانکو بگزارش شورا امنیت معترض است. کنفرانس وزراء امور خارجه در پاریس هر چه زودتر تشکیل خواهد شد و نقش این کنفرانس در وضع آشفته جهان مالی توجه دقیق است.

تسلیمت

ضایعه اسفناک قتل سروان نمت االه خسروی بر اثر زده خورد روز ۲۳ و ۲۴ در دو کیلو متری شم ریامت تاریخچه عالی سز گردید.

بدین وسیله مراتب تسلیمت و همه ردی احوال معتمد سار و ارباب ماندگان آزاد بود تقدیم نمودن مات را از خداوند متعال منسخت مینماید. شهر بیکار نامه کوهستان - مسدودت هوشسته

ضایعه استیصال

شهادت جوان ناکام سرباز شجاع کرد سروان استاله خسروی قلب من و همه دوستان آن فانی را داغدار نمودند. انظار سربازی دوجان بازی است نام. انتشارش زب لوحه تیت اساسی شده است. آزادی و استقلال میهن شد بسوم بازماندهگان مخصوصاً آذای شکرانه شروی برادر فدا نموده آن شهید تسلیمت میگویم. از بنادر پهلوی - عباده نوبه

دو سابقه اسب دولی سیاسی که پلاننامه بعد از خانه جنگ بین الملل اول آغاز گردید (کردها و دارامنه) دو ملتی بودند که زیر سم اسیان فاتحین افغاندومندای ممالک سیاسی آنها گردیده نه موفقیت درخشان لرز در کنفرانس لوزان که توانست شکاف سیاسی غربال انیاسی بین ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی ایجاد کند بیکباره تندر اقلیت هسارا و ازگون ساخت و شیخنا دغلو ای اکرادو اورامنه و همچنین وعدههایی که از جانب متقلبن بآنها داده شده بود هر دو قطع کمال آناورک پیشروی اوج و سرسخت تر به فراموش شد و ضرر یک معادله بزرگ سیاسی بدو ملت ضعیف ویی پناه عاید گردید.

من عهد نامه (سور) که در تاریخ ۱۹۲۰ بسته شد (وترکیه هرگز آنرا پذیرفت) رسماً فولداد که برای کرد ها کشور مستقل داخلی ایجاد نموده و حتی در تحت بعضی شرایط استقلال کامل سیاسی بآنها بخشید اما در کنفرانس لوزان که عهدنامه سور مورد تجدید نظر قرار گرفته و بصورت عهدنامه لوزان در ۱۹۲۲ این موضوع یکبارگی مسکوت ماند و بالتبعی کرد های خاور میانه در نلرو اتحاد کشورهای مختلف که عبارت از ایران ترکیه ، عراق و سوریه بود از گرفته و این همان نسبت است که تا امروز هم پایدار مانده است .

اما اکنون آطوریکه اوضاع و احوال نشان میدهد کردها برای جبران ناهعدالتی های گذشته و تصیباتی که بر علیه منافع آنها در کاخ اوکرا مورک و پاریس و کنفرانس لوزان اتخاذ گردید تیرا فرشته و میوه ها و عده های فراموش شده عهدنامه سور را ببنوی قیام مسلح ملی سازند و بالتبعی در نتیجه بحرانی های سیاسی خاور میانه غیر از مسئله اعراب و یهود مسئله مهم دیگری هم بنام مسئله «اگراد» پیش پای ما سبزه شده است .

کردها برعکس یهودیا از پیشینیان یک کینه بزرگ جهانی برخوردار نیستند ولی مثل دول اتحادیه عرب دارای هدف های سون العیش حساسیتند که بخودی خود جلب نظر بیروهای معظم جهان را مینماید .

فی الواقع کردهای خاور میانه با استفاده از همین موفقیت مهم استراتژی و در تحت بعضی شرایط دیگر میتوانستند توان نظری را که بعد از جنگ بین الملل اول بین انگلستان و فرانسه دو مورد مسائل خاور میانه بوجود آمده بود از بین برده و روابط حسنه آنها را بهم بزنند .

منطقه ای که کردها مدعی هستند اساساً متعلق بگردستان میباشد . ناحیه بسیار وسیع است بشکل یک داس بزرگ که از حوزة مدیترانه (ناحیه آلپ) آغاز شده و با پادشاه خانیان در شمال بند و منتهی میگردد . فوس خاورمیسی داس از ناحیه جنوب شرقی ترکیه رد شده و در قسمت شمال آن کشور (منطقه دریاچه وان) جمهوری ارمنستان شوروی و اتلانی می نشاید . آنکاه پست جنوب منحصر ف گردیده و از نواحی جنوب غربی ایران که شامل قسمتی از حاصلملج ترین مناطق این کشور واقع در حوالی دریای ارومیه

میباشد یعنی شهرستان میانه آب گذشته و جانیان میرسد ، از اینجا بند خط سیر جغرافیائی مزبور امتداد جمله را در خاک عراق تملیب نموده و از مهم ترین قسمت های کرد نشین عراق یعنی منطقه چاه های ایت موسل و کرکوک گذشته و شامل حوزة های مهم دیگر نفت واقع در شمال ایران هم میگردد .

جنبه قلمی این منطقه که در حدود ۱۰۰۰۰۰ میل مربع مساحت دارد تفاوت بین ۱۷ الی ۱۱ میلیون نفر نصیب زده میشود و میلیون گرد مدعی هستند که از بین این هده ۸ میلیون آن «اگراد» خالص خاور میانه هستند .

این رقم بطور حتم آمیخته با عراق است و شماره سنا کتین کرد این نواحی من حیث المجموع از سه الی چهار میلیون نفر تجاوز نمیکند .

عموماً خود این رقم یک رقم بسیار متناهیست و نشان میدهد که کرد های خاور میانه در هر کشوری سکه داشته باشند عامل بسیار مهمی دو سیاست آن کشور بشمار میروند .

از رقم نامبرده بالا در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ نفر در ترکیه و ۵۰۰۰۰۰ در ایران و ۲۵۰۰۰۰ در عراق هم در خاک اتحاد جماهیر شوروی مسکن دارند و با این ترتیب رقم کلی اگراد خاور میانه چیزی نیست که بشود آنرا نادیده گرفت .

اسامات اجتنابی کردها با اینکه مسلمند از زمین تا آسمان با هر با فرق دارد و هر بزه حد ملیت آنها نمی دو فتره نهضت انقلابی که در عرض بیست سال اخیر برپا کرده اند قوی و مستحکم شده است و چون جسامت سلحشور و جنگجویار آمده اند ظاهراً موفقیت مناسب کنونی و ایهیچوجه از دست نبراهند داد .

احتمالاً اشتباه بزرگی خواهد بود اگر تصور کنیم که قیام آنها هم منب بر تحریکات دولت اتحاد جماهیر شوروی در خاور میانه میباشد .

کردها و سایرین موضوع را تکذیب میکنند ولی در ضمن پوشیده نیدارند که در راه تحصیل موفق حقه خود از هر جریان موافقی استفاده خواهند کرد . یکی از راههای آنها آخالسی یک اخیراً بطور رسمی اعلام داشت :

« این بار ما تا آخرین مرحله نمایان ملی خود پیش خواهیم رفت چه کسی حق دارد ما را سرزنش کند از اینکه دست مساعدت یک دولت مقننر دنیا را که پست مسا دراز شده است پذیرفته ایم ؟ »

در حال حاضر کرد های « خاور میانه » واجد تمام آلیزه های هستند که سیاست شوروی در این منطقه حیاتی عالم امتیاج داد . مبداء در مقام مشاورت متعاضد باید انگار کرد که اگر اودر پذیرفته ایم ؟ »

اقتباس از روزنامه ایران ما

نهضت کردستان بعد از مسئله اعراب و یهود دومین مسئله مهم خاور میانه است

این مقاله را که روزنامه ایران ما از سوله اکتوبریست چاپ لندن ترجمه و در شماره ۵۵۱ روز جمعه ۱۷ خرداد درج نموده از لحاظ اهمیت عیناً نقل مینمایم .

جنگ کنونی و نادانان ، فال توجیهی نیست بنفعین ایران داشته .

آنها در سال ۱۹۳۹ رسماً به ویگان قول دادند که مزاحم فرانسوی ها نخواهند شد و دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۱ که ناله عراق در جوار مرزهای سوریه برپا گردیده با وجود موفقیت بسیار مناسبی که در جنگشان افتاده بود معماً به نهضت رشید هالی ملحق نشدند و درخواست کمک او را صریحاً رد کردند ولی هر سال نمایان طور تشخص داده اند که مصالح ملیشان متضد تقب سیاستی بر خلاف جریان سیاست اتحادیه اعراب میباشد و در این زمینه ناچارند با منافع انگلستان که حامی طرفدار این اتحادیه شناخته شده است مبارزه نمایند .

با این ترتیب با ورود مجدد دولت دولت اتحاد جماهیر شوروی در حربه سیاست خاور میانه مسئله کردستان مستقل که از مسائل فراموش شده جهان بعد از جنگ بین الملل گذشته بود بیکبار دیگر با همان موافقت اولیه بگرفتاریهای روز افزون ما آشنا میگردد .

راجع بسروشت (کردهای اناتولی) اطلاعات صحیحی در دست نیست (کردستان

ترکیه) در پشت پرده آهنگی از اسامور قرار گرفته است و هیچگونه تیر موتنی از ماوراء این دیوار نفوذ ناپذیر بدست ما نمیرسد فقط در عرض سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ بود که ما ششیدیم ارتش ترک عیبات دانسته دار نظامی بر علیه کردها هدایت کرد و به از آخرین لشکر کش نظامی که در سال ۱۹۳۸ صورت گرفت آغازی جلال یک که در آن تاریخ وزیر کشور ترکیه بود و سا اعلام داشت که دیگر مسئله « کرد و ترکیه وجود ندارد » از آن تاریخ بیست هج گونه غیر صحیحی از سروشت « اگر اه اطاولی » در دست نیست ولی کابینه نام آنها در تحت عنوان (رهران کوهستانی) و یا « ترک های کوهستانی » ذکر میشود .

از اینقرار خلا این مسئله همچنان لاینحل میباشد تا در آینده ببینیم که آیا واقعا ترکها ایستاده اند بیسند و اگراد در ترکیه خانه دهند و یا اینکه سکوت قلمی کرد ها نتیجه فشار نظامی و بنا بر این این یک عارضه موقتی است قسمت اخیر ظاهر اصحتر بنظر میرسد و بنا بر این احتمال قوی هست که در آتی نزدیک « مسئله کردها » بیشتر از مسئله « بازها » حربه سیاسی دولت اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و آنرا بر علیه ترک ها به کار اندازد و ترک ها با هم ناچاران وقت باقی است باید در سیاست خود نسبت به کرد های اناتولی تجدید نظر نمایند .

ولی از همه فوری تر و عاجل تر مسئله کردهای عراق است . تشکیل حکومت ملی کردهای ایران تقریباً در آستانه منزلت اگراد عراق بصورت گرفته است و تقریباً ارضی این حکومت کلا در جوار منطقه کرد نشین بین النهرین میباشد که قریب هشتصد هزار نفر کرد در آنجا مسکن دارد .

لیبر و نصرت وزیر کردهای ایران آقای قاضی محمد بکنفرانسیس تمویل کرده است و به چندین زبان خارجی صحبت میکند مطابق گزارش های واسله بلنمن از مهمترین شخصیت هائی بود که در « کنفره ملی اگراد » که در ماه نوامبر گذشته در بغداد کوبه تشکیل گردیده شرکت داشت .

ملا مصطفی زعیم کرد های عراق که نهضت انقلابی سال ۱۹۴۵ را بر علیه حکومت مرکزی بنهاده است آردا اکنون بست فرماندهی ارتش ملی کرد در ایران منصوب شده است و دست های تحت فرماندهی او مطابق اطلاعات واسله بالغ بر شان هزار کرد مسلح میگردد که در جزشان یک عده مر بیان روزیبه نظامی هم وجود دارند .

در ماه اوت گذشته ملا مصطفی ملی و هم نهادن سنگینی که منجیل شد یک حمله شکست های عده به ارتش عراق وارد آورد و بالتبعی حکومت مرکزی بنهاد ناچار شد که با روسای دیگر اگراد که رقیب او بودند کنار آمده و از نفوذ آنها بر علیه ملا مصطفی استفاده کند و بر اثر این جریانها بود که ملا مصطفی اچهار بار بداخله خاک ایران عقب نشینی کرد و در حدود دو هزار از اگراد عراق بقیه در صفحه ۶

استان آذربایجان غربی یا کردستان شمالی ایران

در این روزهای اخیر اغلب جرایم پایتخت مطالب راجع به کردستان شمالی نوشته اند. برای اینکه خوانندگان محترم را به اوضاع جنائباتی و وضع شایر و ایلات این ناحیه آشنا نموده باشیم بطور اختصار کلیاتی را که دانستن آن وا ضروری میدانم ذیلا باطالع علاقتندان میرسانیم.

×××

کردستان شمالی ایران استان چهارم را تشکیل میدهد که از مرز شوروی شروع و به حدود شهرستان سنندج منتهی میشود این ناحیه مانند نواری است که دو طرف داخل خط مرزی ایران و ترکیه کشیده شده. آذربایجان را از خاک ترکیه و منطقه شمال عراق جدا میسازد.

در این قسمت خط مرزی را یک سلسله کوهها تشکیل میدهد که میان دو دولت مانده سه محکمی از قله کوچک اوارات شروع شده بطرف جنوب امتداد می یابد.

راه قدیمی که از ارتفاعات این سلسله جبال گذشته براه سلطان مراد معروف است راهی بوده است که از طرف سلطان مراد پادشاه عثمانی برای اردو کشی به سمت بغداد احداث شده بوده که حایه خط مرزی را تشکیل میدهد.

در این سلسله جبال ارتباط میان دو دولت ایران و ترکیه محدود به چند ممبر میباشد:

- ۱- جاده ماهین رو خوی - هاگو - بایزید
- ۲- راه خوی - سیاه چشمه - اوجق - قزل دیزه - قره کوسه ارض روم
- ۳- راه خوی - قوطور - سرایوان

این سه راه ناحیه آذربایجان ایران را بپراگز عمده نظامی و خطوط سوق العیشی ترکیه مربوط می سازد.

راه خوسه دیگری از مهاباد و سر دشت گذشته به خط رواندز اریل - موصل در خاک عراق متصل میشود. مهاباد در قسمت جنوبی این منطقه واقع شده است که نزدیک مرزهای مشترک ترکیه - عراق - ایران بوده نقطه مقابل آزارات میباشد.

در شمالی ترین نقطه این خاک عشایر چاللی که از ایل بزرگ زیلان جدا شده است سکونت دارند.

منطقه ماکو - حربار - و قسمت سیاه چشمه با این طوایف مسکون است چاللی نانش را از نام نوه دژیل جلال الدین گرفته است که امروز به چهار طایفه بزرگ تقسیم شده است:

- ۱- خلکان ۲- بلخکان ۳- ساکان ۴- قزل باش اشلو
- این چهار طایفه هم به طوایف متعدد دیگری منقسم شده اند. قسمت عمده طوایف خلکان - بلخکان و ساکان در خاک ترکیه یا بعضی از طوایف خود زیلان سکنه محال با بزرگ را تا نزدیک های شهرهای انقرمان و قره کوسه تشکیل میدهد.

قسمت کسی از طوایف لرو کسی که جای اعلیشان در خاک شوروی می باشد در حوادث جنگ بین المللی گذشته از مرکز اصلی جدا شده با بران و ترکیه مهاجرت نموده و در انهای قیام کرده های ترکیه با بران برگشته در میان سیه چشمه و هاگو و سوکاناوه سکونت گزیده اند. اینها هم از شبه زیلان میباشند.

شهر و محال سیاه چشمه که کردها «قره نی» (خان در کردی) یعنی جهاز عروس است) با قبایله مخصوص به ایل حیدران مشاق است. در دوره عثمانی سردار ماکو به کمک ایل چاللی از دست مرحوم طاهر خان حیدری گرفته، تصرف هدوایی کرده و در عهد پهلوی شکایت ایل مذکور که بوسیله آقای حسن صدیق انجام می یافت در مقابل پول گراف و در سردار بجایی رسیده است پس طاهرخان موسوم به حیدر آقا امروز ریاست قسمت حیدریهای ایران را توارا میباشد.

ایل حیدران هم یکی از ارکسان زیلان بوده نانش را از شیخ حیدر پسر شیخ زیل گرفته است. مسکن این ایل در خاک ترکیه شهرستان های باوگری - او جیش - هادل جواز و مناسطق ایساقا و باطوس بوده تنها قسمت کوچکی در ناحیه سیه چشمه

ایران سکونت دارند بیکانه رئیس مقتدر این طایفه کورحسین پاشا معروف بوده از سران مشارالیه محمه بیک و نادر بیک پس از وقایع آزارات بدولت شاهنشاهی ایران پناه آورده ولی از فشار و تشییقاتی که از دولت و مامورین دیدند به تنگ آمده تقاضای مراجعت بترکیه را نموده تسلیم شدن بدشمن را بقرامت در ایران ترجیح داده. خانواده حبیب پاشا امروز در مناطق غربی آناتول در حال تبعید بسر میرند.

قسمتی از طوایف هیلان در مناطق مابین سیه چشمه و قوطور در تحت نامهای مختلف طوایف خود زندگی می کنند منطقه سکونتشان تا نزدیک های چلغا امتداد دارد. در آن مناطق با دعوت ترک زبان منقطع هستند. محال زور آوا سوز مان اوه - خوی و قسمت شرقی قوطور محل سکونت آنها میباشد.

عشایر هیلان این نواحی چهار طایفه تقسیم شده است:

- ۱- شیخکی ۲- مپکی ۳- آموکی ۴- دلای
- طایفه شکاک اصلان منسوب به طایفه هیلان میباشد فقط روسا و تشکیلات جدا گانه و مخصوص دارد. منطقه قوطور - سومه بردوست - ناحیه دیلمان و قسمتی از ناحیه رضایه مسکن آنان میباشد.

الر طبع جناب شیخ جلال الدین قشبنندی

لباس نیک به بالای آدمی عسار است
چشمه که ملت ایران بجان خریدار است
کجاست جنبش کردت آشان ایرانی
چرا به ملت ما باغیان طایکار است
قان ز غفلت و مستی چرا نمیکسرت
سواد لشکر دشمن به ما نودار است
وطن چونقطه محورشده است و هر طرفش
علامت دو ران دومان برکار است
هزار سال گذشت و هنوز در بازار
حکایت هر است و علی کسرار است
بزرگ لطمه عالم همین دولت مساست
که جالب نظر عائلات هشتبار است
قسم بعضرت فاروق و حیدر سفدر
خدای عروج دل زین فسانه بی زار است
تلاول بد دشمن ز بی شعوری مساست
خراب خانه از دست پیر شمار است
ز پر تفائی ما دشمنات ظفر بردند
ز جیل ماهه بی اسم و رسم و سردار است
کجاست بر تو اسوار معرفت انوس
که قلب دشمن دین چون کدوی بی بار است
دهبده دست بهسم ایست تقان بردارید
که منتج شرف و نام و بیم اقیار است
کنید چاره دردی که چاره توان کرد
مگر بکسب معارف که شغل احسار است
بیار باده که هنگام دل بست مینا
شکست مجلس واریاب خانه بیکار است
قسم باد صبا بساعت تنای گسل است
خروش دهشت بیچاره حرف گفتار است

...
اشعار فوق را آقای کلاهی نایبده نامه کوهستان از سنز ارسال داشته است.

رئیس آنها اول اسمعیل آقا سبزو بود حالیه عمرو خان شریفی است در میان طوایف هیلان و شکاک طایفه ای بنام کوره سنی موجود است که بنظر می آید سکنه بومی محال سلما س بوده نسی از طایفه هیلان سکنه منطقه شرقی ولایت و آنرا در ترکیه تشکیل میدهند طایفه پان جزئی از ایل هیلان اصلی میباشد که مرگرتان دیار دیگر بوده ایلات بزرگ چیران و حسان هم منسوب به این طایفه میباشد

در جنوب منطقه شکاک ایل هر کسی سکونت دارد که بین دریایچه رضایه و مرز ترکیه قرار گرفته اند قسمت اعظم این طایفه در عراق در دشت اربیل سکونت دارد تا بستان ها بگو های برای عراق و ایران و ترکیه برای گزرا این فصل ییلاق مهاجرت می کنند

نصیب سلدوزیز در منطقه آنان واقع شده است طایفه زوزادر منطقه اشتراسکن است که از بیک راهه ها میباشد میان اشتر و مهاباد و منطقه لاجان محل سکونت طایفه هاشمی است در کبه لاجان تفریبا هزار خانوار عشایر پیران زندگی می کنند طایفه هنگور که تفریبا چهار هزار خانوار هست در منطقه بین مهاباد و سردشت سکونت دارند.

طایفه کورک تقریبا سه هزار خانواده بوده در مهاباد سردشت و در منطقه بین ستر و باغ سکونت دارند ایل دهبو کوری در حدود شش هزار خانوار در منطقه بین مهاباد - ستر و مهاباد ساکن هستند سه هزار و بیاضه خانوار قبض الله ییگی در ناحیه بین مهاباد و ستر سکونت دارند. در اطراف سردشت طوایف عثمانی هاندی اراجی - هالگری - دارمه باسک - آلاس ساکن هستند که جمعا در حدود چهار هزار خانوار می باشند.

خانواده های قضای در ستم بیک خوانین - سادات و مشایخ که تقریبا چهار پنج هزار خانوار میشوند در شهر مهاباد و سوره سکونت دارند

... بطور مختصر این بود که ای از محل سکونت و نفوس عشایر کردستان شمالی بدیسی است از زار مین کرد که با عشایر دو دعوات سکونت دارند و دو محل بنام کرماج خوانده میشوند جزو تعداد خانوارهای فوق ذکر شده است

هزاره غرب
روز نامه ستاره غرب بامبارک لوبین و مطالبی دل پذیر روز چهار شنبه آینده منتشر میشود

بزم آقای محمد مردوخ آیتا ف کردستانی

کرد و کردستان سنه اردلان

- ۵۸ -

و نهایت فصاحت و بلاغت و بر انداره جناب نوح ملوکا واقع شده است صد اشرفی و یکقطافه شال ترمه کشبیری برسم خاست و فرمان قره هندیمن را بتوان متولی برجوم ابوی مرحمت میفرمایند. فردای آنروز بهزم سیاست و گردش المله حکومت و مسجد دارالاحسان تشریف میبرند و سالی یا صد تومان برسم استبراری برای تمییرات دارالاهل مرحمت و بر فرار میفرمایند.

حکام هر ساله آنوجه را در بیانت میداشند ولی بدین تمبر تمبر سانه و بالاخره دارالایاه خراب و منهدم میگردد در روز سوم ورود شاه شرف فرماید امانیه شده است برای تفریح خاطر ملوکا شمان سیاه را که پهلوان معروف شاهی بوده با پهلوان نادر کردستانی کشتی داده است شمان ساه پلی عیب و عفریشی میباید بوده است نادر هینکه او را از زمین می کتد بالای سر برده که بر زمین برند شمان فریاد بشا زده (قربان نگذار) شاه فوراً صدا زده (کرده نکن - کرده نکن) نادر با کمان ادب او را آهسته جلوی پای شاه میگذارد و زمین تکریم را بومه برزد شاه یک طاقه شال ترمه بنادر خلعت میدهد.

الفه پس از ۳ روز توقف اردوی هابوی از راه گروس بطرف آذربایجان (تبریز) حرکت میکند بواسطه عدم اطلاع اهالی بر تشریف فرمائی و کت شهربازی بر ملتزمین و کت چندین خوش نگذشت والی بجای گنم و جو زورخ و غلات میداده اهل اردو در میگردد مانند ملک الشراء که در کاب هابویسی بوده منزل ذیل را در ذم والی کت است در شهر سه سلطان سه روز اقامت کرد والی سفینه آماج ملامت کرد - نه کاه و نه جو در شهر - از وصل شیان یا پور - عرضه که لبودش هیچ - عرض نفوقات کرد - مصادف آن هنگام امر آقی سردار اکرم از طرف دولت عثمانی سرحد کردستان می آید والی هم با اجازه دولت ایران با تجلات و تدارکات شایان بطرف مریوان رفته دو سردار نامی در سرحد دولین ملامتات می کنند پس از مبادیه بیغاماتو انجام مهمات طرفین بعمل خود مراجعت مینمایند

در اواسط ماه شعبان ۱۲۷۶ هجری میرزا ابوالناسر خان مستوفی تفرشی بوزارت کردستان وارد است دو شده میرزا احمد رضا از مقام وزارت معزول و استخار طهران میشود پس از یکماه والی نیز معزول میگردد نجفعلی خان معزول شده است که خاکم جو ورود بود نائب الحکومه میشود والی پس از معزولی با تمام اهل و عیال و اتبع خود بطهران می رود و از این سو نجفعلی خان وارد شهر میشود و خان احمد خان هم از سرهنگی منتقل و بجای او محمد علیخان سزوی سرهنگ فوج میشود پس از دوماه فرمان و حلت حکومت بالاستقلال برای نجفعلی خان سرحدور مینماید

نجفعلی خان اگرچه نقل ساهه داشته ولی هنوز لعاده باعوش و تیز مهم بوده و سا لها آرزوی حکومت کردستان را داشته است مدت یکسال به آرزوی خود پرداخته آیم دو جو ورود افوغنه بود دو حکومت کردستان بر مردم بل و بخش میکند و بصرف حکمرانی می رساند آخر سال دو ۱۵ رمضان ۱۲۷۷ هجری معزول و رعیار تهران میشود دو آنجا شال (سرکشکیجی باشی گیری) مظفرالدین میرزای ولیمه را بیاخته به آذربایجان می رود و آنجا پس از یکسال فوت میکند - غلامشاه خان والی پس از انفصال نجفعلی خان دوباره حکومت کردستان منصوب شده و در (۱۳) رمضان ملکور خیر حکومت او بکردستان میرسد

در پنجم شوال حسینعلی خان پسرش را که ماقب به (جان خان) بوده بر حسب فرمان همایونی بعنوان نیابت حکومت با جمعی از کردستانها روانه کردستان مینماید خود والی پسر در اوایل شهر نوقده از تهران حرکت کرده در اواسط همان ماه وارد سنه می شود و دوباره نقل وزارت و اسیرزا محمد رضا و گذار مینماید و مدت ۳ سال با اقبال اقتدار حکومت می کنند در تاریخ ۱۲۸۰ هجری ملا فتح الله قاضی و ملا محمد امین الاسلام و ملا آلف و شیخ زلام و ملا محمد صالح فتح الله شاه و جمعی دیگر ز اعزه و اعیان کردستان از حکومت وی و وزارت میرزا محمد رضا ناراضی شده بپرم تنگی رعیار تهران میشوند از طرف دولت برای رفاه اهالی مالیات دهان در دیان دولتی تعدیل میشود و باسم هر دهکده فرمان مخصوص صادر میگردد - ... زارگی مستوفی دیوان هم حسب لامر همایونی بیست پیشکاری غلامشاه خان و رسیدگی بوضع تعدیل مالیات روانه کردستان میشود در سال ۱۲۸۱ هجری پسر دیگر به تهرینکات اهل شهر سلاطین اورامان هم طغان بر افراشته شروع تاخت و تاز می نمایند میرزا زکی تاب تحمل یابوده تفصیل را بدربار معروض میدهند از طرف دولت غلامشاه خان والی با فوج ظفر کردستان و چهار هزاره توب سه هزار فرسنگی چربند ماهور قلع و فتح اشراو آسامان میشود - والی با حیمت خود از راه جو ورود میرزا ابون میگردد بقره پاوه که میرسد علی اکبر خان شرف الملک را با چند دسته سرباز و یکصد تنگچی پیش جنگ قرار میدهد شرف الملک با سپاه اواججمی خود دلبرانه بکنار سیروان بستاند (دجیری) به پیش قزولان اورامی بر خورده پس از مختصر زد و خوردی اورامیها تهاب مقاومت یابورده فرار می کنند و شرف الملک با فراغت خاطر از رود سیروان میگردد و غیر گذشتن خود را از رود والی میدهد والی بدون درک با توپخانه و قشون به شرف -

له باخی گولیک

ارسالی بدافع رضای کلهر

آزاد

آزادناوی نه قیه ، کوری آقخان وله بنه مالی کولی کوردی که لهوره ، باوک و با پیر یشی له ادیاتی کوردی دانستیکی در بزبان بوده . آثاری میزوی که لهوره که هیشنا له چاپی نه در اوه واله نه هانی شس و یینج سالیدا . شاعر یکی زور تی که پشتو وله دیبکی ناسراوه آراس - نامش بی پسر افغانان و از خاندان قدیمی کرد کلهر است .

پدر و جدش در ادبیات کردی پندولانی داشته اند آثارش تاریخ کلهر است که هنوز چاپ نشده . در سن ۶۵ سالگی است و شاعری مطلع و ادیبی معروف میباشد .

اینک نمونه ای از اشعار او :

له تقدیره ملک روزی رویم بو قصر ساجوم دی شه که توماندو به برسی نهی « م قاتلی خوددی که بیستوه نهام مکاه به زمی نه سر و هشویه شیرین سرودی بار بود - موتی نگیسا ، دینی سریم دی کسوم بروم به سر بسالی به عینم ام مکناسا له رویم ساجیف شندل له راوی دور جی له م دی سیا چاری که وان برژانک ، نه نه رسیما وه فرومو به وه لا وه له داوان و غمیسی گیانی آبه م دی نه تا چاری که وان باران قیامت بوله منت قومیا نهام دی اشکه بوسی پهل نوکی تیری روسه م دی وه کو آسن رویا تل چیر نه وتدم زانی اوسا که ده بوچی وه کوره مهق وستا کو تی موحتاجه منم م دی نه نا چاری به من کورت موتی واحاله به من کرد

گه وه زنی ناساشو بر احتیاط کریا وضیعه م دی

پس از یکماه مرض والی مودودو بهتری میشود - هرچه کردند از علاج و اذوا گشت رنج افزون و حاجت ناروا در ظهر سه شنبه اهم جنادی التانی (۱۲۸۴) از در فانی بسرای جاودانی در می گذرد و فلا شاهان شخص ناگال و نیز همی بوده و در شرم حضور حلم و حیا عاوت معروف بوده است

رو سهر سه بیست سال کامل در کردستان حکومت کرده است کساییکه امروز صاحب پایه و پایه هستند از پر تو او دست پرورده او می باشند مسجد دارالامان که مشهور بسجده والی است از بنا های مشهور او است - متنی چون باصم حاج کریمخان شیخی آن را بنامد رسانیده مردم در آن ملک رکعت نماز نخوانده اند - اهل بازار هم که موقع ظهر و عصر بدانجا رفته اند روی ملک فرش سیاه یا ایوان مشرفی نیاز خوانده اند - توی سخن مسجد رفته اند - اخیرا حجرات آن ایار های اهل بازار شده اجناس خود را در آنجا ایبار کرده دو ماه گرا به بتولی میدهند و باغشام هایدات موقوفات اوطی خور میکنند .

الملك ملحن میشود بعد طبعید سلیمان خیر عبور اردو را از سیروان میشوند بدون معطلی خود را نظاره نموده با خاص و عام اورامی رعیار خیر زور میشود و پناهنده به شغلی ایا عبیده میگردد مدت سه ماه بیرون خود را در در بالای لغود باغتر از در آورده پس محمد سید سلطان در مهیت شیخ عبدا الرحمن پسر شیخ عثمان که سر سلسله نقشبندی بود با او با اشارتیس عشار جاق پناهنده باسطنب و والی میشود .

بشافت شیخ عبدا الرحمن و محمد باشا وادان ۳ هزار تومان وجه محمد سید سلطان مورد عفو و بخشایش شده گمانی - السابق حاکم او را امان ایون میشود و والی با اردو پیشتر سه دز مراجعت می کند و مراتب و ابرض در بار میرساند در نتیجه مورد اشقامات ملوکا شده به لقب (شیاه الملک) منتظر سرافرازمی گردد در تاریخ ۱۲۸۲ از طرف دولت بکنار مهندس مامور ساختن قلعه در محل مریوان میگردد در مدت ۶ ماه قلعه مستحکم را بر با ساخته مسمی به (قلعه شاه آباد) می شود در اواخر سال ۱۲۸۳ غلامشاه خان و میرزا زکی وزیر هر دو بتهران اعضار شده پس از یکماه والی مبتلای نا خوشی منقعی شده سکیم (تولوزان) طیب شاهنشاهی بسا لجه او گوشیده بیوردی حاصل میشود در این هنگام موکب شهر بازاری رعیار شرانسان شده والی و میرزا زکی رخصت انصراف می یابند .

نهیضت کردستان بهد از

بقیه از مناسه ۳
را که در جزئیات زن و بچه هم بود باغود
بایران کوچاند .

کردهای عراق علی رقیب و عده های
فوق و درازی که از طرف حکومت
محرکری بغداد با نهاداده شده است هموما
از وضع خود ناراضی هستند . دامنه ساز -
مانهای محلی عراق خاک آنها سیرسد
و همچنین فائده تعلیمات محلی و اختیارات
لازمه داخلی میباشد . نسیون رسمی
کردها اخیرا برای مذاکره در اطراف
این موضوعات بیداد آید موافق به
تعمیل و عده های رضایت بخشی هر شده
است ولی ظاهرا هیچکدام ازین مواهید
تاکنون ایمان نکرده است . جریانات اخیر
ایران از نظر سرانوش آتیه کردهای
عراق تا زمامت خاصی است چه اگر کردهای
ایران موافق تحصیل حق خود مختاری
داخلی گردند آنوقت اوبت کردهای
عراق خواهد رسید که برای تحصیل
امتیازات مشابهی قدهلم گردمو امنیت
بین النهرین را منحل خواهند ساخت بخصوص
که اینان نیز مانند برادران ایرانی خود
اهمیت جریان موافقی را که از او راهبر
های نفاق و ارمنستان میوزد بخوبی
درک کرده اند .

در سوریه مسئله متفاوت است و با
ایران و عراق فرق دارد . کردهای
سوریه با آنهاست هستند که بعد از نهضت
های انقلابی باین کشور تمیبه شده و فعلا
منتظر موقعیت مناسبی هستند که دوباره
بموطن اولیه خود با گردنمو بستان
دست از کردهای که کموبیش با هم
مظلومندند . منشی کل حزب کمونیست
سوریه بکنفر کرد است و بهلاوه در سوریه
و لبنان ارتباط فوق العاده نزدیکی بین
کمیته های ملی «اکراد» و «دارانه»
وجود دارد .

ملیون محافظه کار کرد که سازمان
سیاسی آنها در سوریه بنام «خوی بون»
نامیده میشود همچنان بولولایی امورانگلستان
اطمینان میدهد که منافع بریتانیا را در
خلور میانه محترم خواهند شرد ولی چیزی
که هست این صمیمت آنها بلاقه و شرط
یست و اگر بریتانیا ایبیر بخواهد
کسانی السان را نایبالت ملی اکراد به
فلح عربها چشم بپوشد آنوقت این دوستی
و عده داده شده چندان درامی نخواهد
داشت .

چه کسی میتواند بنگال بیشتر فکر
کند که در داخله خاک ایران در کشور
مستقل آذربایجان و در کمیته نجابت ملی آن
کشور « بوجود خواهد آمد ؟
مسئله کردستان حتی از مسئله
آذربایجان هم خطرناکتر و مهتر است
آنطوریکه اوضاع و احوال شان رسمی
دهند برای تحریک کردهای خاورمیانه
لشک های دقیقی طرح شده است و اگر
دیپلماسی انگلستان پیش از وقت با وسائل
مدیرانه ای خود را برای مواجبه باین
لشک ها آماده سازد آنوقت که دورتهای
زمان سابق و دلشهای حاصله از معامله
سیاسی لرد کرنل مد درسه بر علیه ما
مورد استفاده قرار خواهد گرفت .
«پایان»

آگهیهای حصر و رانت

آقای غلامحسین ایزدی درخواستی
بدادگاه بخش کردستان تقدیم که حاج
سیداله ایزدی مقیم دائمی ستر کلبای فوت
نموده و اورت او منحصر به دو پسر
(غلامحسین - عبدالعسین) و سلطان
خانم مادر و زوجه آهر و سه دختر
ملوک - رقیه آسیه میباشد باستاند گواهی
نامه محلی و شناسنامه برای استفاده
ورات از کلیه تر که متوفی صدور گواهی
حصر و رانت خواستار شده لذا مراتب
سه بار متوالی در روزنامه مجلس و روزنامه
کوهستان درج میشود و اگر کسی واخواهی
مینماید یا وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی دارد از تاریخ نشر اولین آگهی
تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی
صادر میگردد .

رئیس دادگاه بخش کردستان خیا می
شماره آگهی ۹
۳-۳

آقای حاجی طبری در خواستی به
دادگاه بخش کردستان تقدیم که عده -
الکبریم طبری پدرش مقیم دائمی مستنج
فوت نموده و اورت او منحصر بیک پسر
(حاجی) و سه دختر (ماه رخسار - ماه
عشار - زینب) و یک زوجه (فرخنده) می
باشد باستاند گواهان محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه تر که فوت
صدور گواهی حصر و رانت خواستار
شده لذا مراتب سه بار متوالی در روز -
نامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان
درج میشود اگر کسی واخواهی دارد
از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین
دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت
نامه جز رسمی و سری تاثیر ندارد
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
ش ۷۲
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر و کائنا از محی الدین
از آقای موسی شری دادخواستی بدادگاه
بخش کردستان تقدیم که غلب شری
مقیم دائمی مستنج فوت نموده و اورت او
منحصر بیک برادر (موسی موگلش) و یک
خواهر (فرشته) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای و رانت از کلیه تر که فوت صدور
گواهی حصر و رانت خواستار شده لذا
مراتب سه بار متوالی در روزنامه مجلس
و روزنامه کوهستان درج میشود اگر
کسی واخواهی دارد با وصیت نامه رسمی
و سری از متوفی نزد اوست از نشر
اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه
مراجعه نماید والا گواهی صادر میشود
رئیس دادگاه بخش کردستان
شماره آگهی ۵
۳-۳ خیا می

آقای اسبیل صادق وزیر در
خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم
که طوبی خانم شرف اردلان مادرش
مقیمه دائمی مستنج فوت نموده و اورت
او منحصر به سه پسر آنها بان اسمداله حضرت
اله - اسبیل صادق وزیر و سه دختر
بانوان هما - رعنا و کیل - لیلی مقیمه
وزیری میباشد باستاند گواهان محلی و
شناسنامه برای استفاده و رانت از کلیه
تر که مرحومه صدور گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه
باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر
و وصیت نامه جز رسمی و سری تاثیر
ندارد .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۶
۳-۳

آقای اسبیل صادق وزیر در
خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم
که طوبی خانم شرف اردلان مادرش
مقیمه دائمی مستنج فوت نموده و اورت
او منحصر به سه پسر آنها بان اسمداله حضرت
اله - اسبیل صادق وزیر و سه دختر
بانوان هما - رعنا و کیل - لیلی مقیمه
وزیری میباشد باستاند گواهان محلی و
شناسنامه برای استفاده و رانت از کلیه
تر که مرحومه صدور گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر و کائنا از محی الدین
از آقای موسی شری دادخواستی بدادگاه
بخش کردستان تقدیم که غلب شری
مقیم دائمی مستنج فوت نموده و اورت او
منحصر بیک برادر (موسی موگلش) و یک
خواهر (فرشته) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای و رانت از کلیه تر که فوت صدور
گواهی حصر و رانت خواستار شده لذا
مراتب سه بار متوالی در روزنامه مجلس
و روزنامه کوهستان درج میشود اگر
کسی واخواهی دارد با وصیت نامه رسمی
و سری از متوفی نزد اوست از نشر
اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه
مراجعه نماید والا گواهی صادر میشود
رئیس دادگاه بخش کردستان
شماره آگهی ۵
۳-۳ خیا می

اخبار مستنج

۱ - سروان مست اله خسروی
کردستانی که در واقعه ستر مغلول شده
بود با تشریفات نظامی در مستنج خاک
سپرده شد . شایع است که دو نفر امر
دیگر نیز تلف شده اند .

۲ - در هفته بیست ۲۵۲۱۸ و
۲۵۲۲۵ پنج نفر تریاک خوردند
این عمل شایع مدتی است در مستنج
معمول شده است .

۳ - مسومیت های غذائی در نتیجه
مصرف گوشت چند حالت دیده شده که
برای بعضی ها بسیار خطرناک بوده است
فست دایز شکو و شهرداری کردستان
باید به حفظ سلامت مردم بیشتر توجه
داشته باشند .

۴ - بیستارن چدامی از سال ۱۳۲۰
که محل نگهداری و تبعیح آنها منحل
شده کم کم در نقاط مختلفه و خصوصا
دهات پدیده میشوند اسماعل تعداد آنها
بیشتر و سلامت ده نشینان مورد تهدید
این بیماری است .

کوهستان - آبا بیداری کردستان
در این باره گزارش به وزارت بهداشت
داده و آبا اینجن ولاشوی توجه مختصری
باین امر داشته اند . گمان میکنیم

برای اطلاع خوانندگان کلههر

چون سال اول روزنامه کوهستان
بایان یافته از مشترکین محترم غلط
گرمسیری کلبان - غلط شده -
سر بل ذهاب - هیلام - جوی زر نفاضا
میشود بعضی شمار های دریاقت سال
۱۳۱۴ و شش ۰۰ با بکسال ۱۳۲۵ را
مستقیما به دفتر روزنامه کوهستان در
تهران ارسال و آتایان مشترکین هیلام
شاه آباد غرب - نایب ماهبدت می
توانند جهت تصدیق حساب باین نمایندگی
مراجعه فرمایند .

نماینده روزنامه کوهستان

یداله رضائی کلههر

و سری تاثیر ندارد .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
ش ۸۲
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

آقای علی اکبر وزیر امیرزاده امیر شیخ
الاسلامی در خواستی بدادگاه بخش
کردستان تقدیم که بانو اسمانه امیر
شیخ الاسلامه مقیمه دائمی مستنج بلاشوی
و اولاد فوت نموده و اورت او منحصر به
فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیر
زاده (برادر) و سه خواهر (آفاق البلبوک
قمراللوک - امیردشت) میباشد .
باستاند گواهی نامه محلی و شناسنامه
برای استفاده و رانت از کلیه
تر که متوفیه صدور گواهی حصر و رانت
خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی
در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود باستاند گواهی حصر
ورات خواستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میشود هر کسی واخواهی
دارد با وصیت نامه رسمی یا سری از
متوفی در نزد اوست از نشر اولین
آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه
والا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیا می
شماره آگهی ۱
۳-۳

بنام آقای امینیان

موضوع کردستان بزرگ و مهم است چنگ بی اثر و برادر نشتی بی ثمر است

جناب آقای دکتر اردلان صاحب امتیاز نامه شریفه کوهستان

از تاریخی که خطه هم آذربایجان بطور سریع و روشن برای چگونگی اداره خود دهائی چندی را بدون تمرکز و پیشهاد و درخواست نموده بلك قسمت ازوك كردستان نیز با تاسی به برادران آذربایجانی خود همین حقوقات حقه را خواستار شده اند .

اگر تامل و تحقیق فرموده باشید اهیتی که بری آذربایجان در این مورد از هر طرف دولتر گرفته باشند آخرین توجه و ترتیب اثر و توجه از طرف دولتا و چه از جانب بعضی روزنامه نگاران و سیاستمداران مرکزی بیانه این کردستان داده شده و اگر کامی ایجاب بوده که راجع به کردستان گفتگو شود اشخاص مغرب و کسابتی که در سیاست دست تا چند نرسنی اطراف خود را میتوانند ادو و قضاوت نمایند خواستند جریانات اخیر کردستان شمالی را همان ماهراجومی و طبعیان یکسده گردکش خیر و تمسیر لایه در صورتیکه اگر کسی بنا به تحقیقات حاضر و مصالح

بین عزیزان این قضیه تمسق نماید جریان با بول هده طبعیان این دفته کردستان هیچ تبه و مربوطه هلیات سابقا کرد است صرف نظر از آنکه کردستان این مرتبه يك رشته دهائی حقه را بجزیران گذشت برای احیاء اداره خود میخواهد پیشنهاد عنوان طریزی است که خواهی انورای سایر مناطق کردستان ایران و بلکه کردستان ترکیه و فرانسوی و شوروی نیز از آن پشتیبانی و تمهیدی نمایند موسیك قضیه باین ژرمی وضوح باشد باید يك عهد سیاستمداران خودرو از اهمیت قضیه بطور شفاهی احیاءات کنسی بنگاهند و اگر متصفانه دولسوزانه برسی کنند موضعه در دستهای کردستان شمالی از آذربایجان بهتر باشد کوچکتر با این مقدمه تنها وجودی که باید

اداره کل ژاندارمری توجه فرماید دستبرد های مسلحانه

از چندی قبل امنیت سفر و کلیاتی رو به انحلال ، سابقین مسلح از تغلیل لغرات ژاندارمری ستر سوء استفاده شب و روز مانند گرگان گرسه شدن بشناگری ، در خود شهر سرفتهای مهم زیادی واقع از جمله سرفتهای مهم حشمت الله ، سعیدی ، سرفتهای اموال آقای صد باوری ، سرفتهای فضل شزاوغ بدخت که ، سرادارای بنگرد باغ بود به بشنا رفت و بدبختانه يك پای مور را هم از گلوله بر او مجروح واستخوانش خرد و با بول امانه بگرمناشاه فرستاده شد و هنوز هم تحت معاجه است سرفتهای هشتی مشیدی آقا حسین که حتی در کمال وفاتت جلیده زاناه تن عروس او را که سادات محلی با همدار زیادی بول نفره و آلات زینتی آراسته بود از تن او در آورده و برداشته .

مقارن غروب روز یکشنبه پنجم تمنداد زیادی گرفته ابرج و محله زرگی را در میان باغهای سفر میرسد چون غلی بشهر نزدیک بود و مردم غوری میرسد گوسفندها را جا گذاشته است . روز یکم يك ساعت شش و یک ربع سارق مسلح سواره پیاده گرد ۴۰۰ ماس نه کیلومتری سنتر واقع ، اشین گوهریان همدانی را مورد حمله قرار و مقتدر زیادی قند و جای و سایر اجناس مال لچاره و بول نقد مسافرین که محصولات آن بوده غارت برده اند .

پنجشنبه گوهریان هم و بلان و در بیابانها میگرد شاید موفق بشکفت شود . چاچ ، بسیار سزاشکر رزم آراه که از رجال عالی مقام و همین دوستو دوستکار ارتش است و تعدادی بچشم و چراغ و اید قلی سادات است و سایر مقامات مثل در این باره توجه فرماید و علاج فوری فرمایند باید در انتظار حوادث قدرتی بود .

خلاصه نظر فرزانده اشتر کردستان

در مجلس ترمیمی نه روز ۱۳۳۱ ۲۵ بنام سید اهل سروان تحت اله خسروی نیز شده و آقای سرتیب هادیونی فرماده اشتر کردستان بیاناتی ایراد نمودند که خلاصه آن بشرح زیر میباشد :

آقایان محترم :

جناب آقای وزیر جنگ امروز بنده را مامور فرموده اند که از طرف معظمه له از مراتب همدردی احساسات نام انگیزی له اهالی محترم سفر لسیت به شهادت سروان خسروی ابر ز داشته اند تشکر کنم .

ارتش همواره مامور حفظ امنیت و تاه اهالی آشور بوده و وظیفه مسا در باران و انسران چاپازی و آبادکاری در راه منهن است . منظور مقدس ما حفظ آراش و امنیت است و ضمن انجام ماموریت مقدس خود جدا از برادر کشی امتزاز داریم و میدانیم کسانیکه اکنون باعث این خونریزی و مراحمت شده اند همه ای از پارتیهای عراق هستند .

مبارزه با مالاریا در غرب

بنتقور مبارزه با مالاریا در غرب هند گذشته آقای دکتر مشایخی از طرف وزارت بهداشتی به دفعات غروب هزیت نبود که ابتدا در شهرستان خرم آباد و بعد در کرمانشاهان سپس در کردستان عمل مبارزه را شروع نمایند .

آچه در این مبارزه سهم کردستان شده این است که تعداد یکسده هزار قرض آتیرین فضلا بسلنج ارسال گردیده و خصوصا دستور تکمیل آن هم داده شده تا ورود آقای دکتر مشایخی دست به توزیع آن نماید زیرا کردستان خاطرات بعدی از حیف و میل دارو دارد و از این جهت این اشکراف بسیار جفا و مناسب بوده است .

تعداد ۱۵ عدد سبایش نیز ارسال گردیده بطوریکه روزانه میتوان مقدار پانصد لیتر از اوزوبیل را برای پاشیدن روی باطن ها و آب هسانی را که مصرف شود .

بکدمتگاه کامیون برای حمل و نقل آتایه و لوازم کار و مامور در اختیار سرویس مخصوص کردستان گذارده شده که مورد استفاده قرار گیرد .

هلیات مبارزه تحت نظر آقای دکتر مشایخی انجام خواهد شد و پزشکان بهداری کردستان در این مورد تحت نظر دستور ایشان انجام وظیفه خواهند کرد از طرف وزارت جنگ هم بقتست های معضله ارتش دستور داده شده است که

در این مورد همکاری کامل نمایند بهیسی است در حین عمل اگر مقدار آتیرین اوسالی کاش نباشد وزارت بهداشتی تمهیدی را که مورد نیاز باشد مجددا ارسال خواهد داشت

اقدامات مبارزه بر علیه مالاریا از طرف وزارت بهداری و رایگان انجام داده خواهد شد بسیاری مالاریا که در اغلب نقاط کردستان خصوصا شهرستنج و منطقه میروان بسیار شایع است بسیاری خطرناک است که آتیر آن در بدن انسان بسیار باشکال گوناگون مشاهده شده و مادامه المبر شخص مبتلا را دچار زحمت مینماید .

شایسته است در این موقع که وزارت بهداری چنین اقدام مفیدی دست زده از طرف عموم منبات همکاری صمیمانه آغاز و از پیروی از دستورات مبارزه ای خودداری ننموده سلامتی خود و خانواده و نزدیکان خود را از خطر این بیماری محفوظ نگاهدارند .

هدا کرات لازم برای حل این قضیه از طرف دولت در جریان است بهیسی است اگر این قضیه کسه اغلب ملت نوا افس فرهنگی این غایت است از طریق مسالمت آمیزی مرتفع نشد آنوقت دولت انا را است که از طریق دیگری این موضوع را حل کرده و آرامش کامل را در این تقاطع قرار سازد . در پایان لازم میدانم بدین وسیله از عموم آهالیان روسای هشایر که با ما تشریك مساعی می کنند مبارکداری کرده و از کله اهالی و هشایر ناشهامت این سادمان انتظار همکاری بیشتری دارم

دادستان محترم دیوان کیفر

کیه روزنامه کوهستان

آقای مهبینی ! زیر دیوان کیفر در کرمانشاهان در موضوع انحلال جای که حسب دستور مر کس در سزهای جنگ صورت گرفته تا کنون چند نفر را به اتهامات نامعلوم بازداشت نموده من جمله آقای طیب اعتمادی که از مامورین صدیق و خدنگدار دولت میباشد از طهران احضار و بلاااماله بازداشت فرموده علت این امر بر يك مشت هاله سرگردان ایشان تا کنون معلوم نیست بدین وسیله استدعای عطف توجه مخصوص دارد کسه به آقای مهبینی دستور اکیه صادر فرمایند که اولاً رفع بازداشت از ایشان پسل آید تا با هر چه زودتر تکلیف نامبرده و چندین نفر اشخاص دیگر که بدون سبب در بازداشتگاه بسر میرند تمین و پرونده را برای رسیدگی معلوله به مرکز ارسال فرمایند

اعضاء خانواده اعتمادی

مشترکین محترم ارسال وجه اشتراك را فراموش نفرمایند

کوهستان

بمناسبت مقاله‌های کیهان

پایه از صفحه ۱

وقتی پزشکی در مقابل بیماری قرار میگیرد و میخواهد او را درمان کند قبل از اینکه بر ضد علامت بیماری مبارزه بپردازد و داروئی بدهد که آن علامت غیر هادی از میان برود سؤالاتی میکند سیر ناخوشی را می‌پرسد و دقت میکند تا اصل بیماری را تشخیص دهد و بداند موجب آن چیست. چه بسا اگر فقط به درمان علامت بیماری آن متوجه شود ممکن است بیماری را خطرناک تر نماید ولی اگر خود بیماری را تشخیص داد دیگر وقتی به عوارض ظاهری که نشانه های بیماری است نگذاشته به درمانی متوسل میشود که بیماری را ریشه کن کند.

فرض میکنم دولت پیشنهاد کیهان را قبول کرده حمله نمود و در یک حمله و حاصله چند دقیقه از مهاباد و غیره هفت و تا به سرحد آزارات رسید، هدفی را کشت! عده‌ای فرار کردند عده‌ای هم تسلیم شدند و باز قدرت نظامی ما آنجا حکم فرما شد و کسی هم برای ناس کشیدن نداشت و نام افسر و سرباز با احترام و تعظیم و تکریم برده شد آیا با این حال نتیجه حاصل شده است؟

و اطمینان دارند که نظر واقعی یک فرد ایرانی وطن دوست و علاقمند به آب و خاک تابعیت شده و آسایش همی در این ناحیه فراهم کرده است. شما با این پیشنهاد یک عارضه ظاهری را در مغیله خود درمان فرموده‌اید ولی اصل موضوع و ریشه امر را که بیماری تجویز ایران میباشد داوونگی نکرده‌اید. فرض میکنم عده ای بسیار معدود و بلول شایسته نفر آمده دعوی خود منقاری کردستان را دارند و کله آنها هم بوی لفظ میدهد و اطلاع و سواد هم ندارند و میکوبند ما خود منقاری میخواستیم، امتیازات زیادی میخواستیم این را اولاً شما قدراً تجربه ایران نتوانید اول تحقیق کنید خود منقاری که آنها میخواهند چیست آنها را خود بدستگیریولی مشروط باینکه تصدیر جارا برمنطق و عقل تسلط ندهیم. شما اخبار منتشره از رادیوهای بیگانه و یا اخباری که از گروه و کسار شنیده‌اید دلیل قاطع اظهارات خود میدادید شما کنی نتوانستید به

با آنها، باهیئت دوسه نفر که خود منقاری کردستان را میخواهند مذاکره کنید و از آنها پرسیده چه میخواهند و برای چه میخواهند، برای چه مسلح شده اند و تا چه اندازه این اقدام آنها در استقلال ملکت موثر است.

وقتی تمام اطلاعات شما بانسی و یا هل قول است آیا راهنسی شما عادلانه است؟

شما با اطلاعاتی که از اهمیت موضوع کردستان در کشورهای مجاور و در دنیای کنونی دارید آنها گمان می کنید واقعا اردو کشو حمله قوای دولتی برض موقتیت هم کاملاً بلغ ایران است شما تصور نمی‌نمایید اگر دولت کردستان ایران را حمله در آغوش داشته باشد اتوری بزرگی بر روی حفظ استقلال خود در دست دارد؟ شما آیا دقت نظر نموده اید که کلیه کردستان در دست دولت ایران است و بایک مانور ماهرانه و ساده میتوان در اینت گنجه است را بسوی خود باز کند؟

شما تصور نسرا نمیدانید اگر تمام استان اموده و مزایائی برای این استان که متناسب با موقعیت و اهمیت آن باشند قائل شوند و در طرفر تسهیلات کشور در این منطقه بزرگ تجدید نظر نموده مطابق احتیاجات واقعی و ضروری مردم تربیاتی بدهند هم مردم کاملاً راضی خواهند شد و هم اداره آن آسانتر خواهد گردید و هم ممکن است آن مبارزه سیاسی بنحوشا پسته ای حل شود؟

شما گمان نمیکند اگر کردستان را با اهیتی که دارد در ردیف سایر مناطق کوچک و داخلی ایران که چنین اهمیت مرزی و سیاسی ندارد متناز قرار داده باشید بی اهتانی فرموده اید؟ آقای فرامرزی کردها بشما سیاسی متصور دارند، شاید جهانی هم باشد که این نودبکی را موجب شده است ولی دوستانه میگویم که چنه مقاله اخیر شما ملب‌های حساس آنان را جزیره‌دار نموده گله منده ما هم پاس احترام افکار عمومی افراد پیش ازندگراتی دوستانه چیزی جایز ندانستیم و از روی هیبن احساسات است که انتظار داریم کیهان گذشته را جبران کند و بجای تیغ آبدار که بر روی آنان کشیده مرهمی بر جراحتشان بگذارد.

تصحیح

شماره هفته گذشته مورخه دوشنبه ۱۴ خرداد ماه بجای اینکه شماره ۵۸ در بالای صفحات نوشته شود اشتباها رقم ۵۹ چاپ شده بود. از خوانندگان محترم تقاضا میشود این اشتباه را تصحیح فرمایند. شماره ۵۹ همین شماره میباشد که در تاریخ دوشنبه ۴۰ خرداد ماه چاپ و هم اکنون از نظر خوانندگان آرجمند میگردد.

نظری بگذشته کردستان

پایه از صفحه ۱

نموده او را با تبهایی کوهستانی که بتوسط خولی یک رئیس معاصبات لشکر ۱۱ ترکیه باو تحویل شده بود با خطامیان ترکیه که لباس خود را مهبل کرده بودند تقویت میشد و بر شهرهای ایران سوق میداد دولت ایران با نده سیاست همجواری شده، سیاستی که طرف مقابل هیچ اهتانی بدان نداشت معاهدین ملی کرده‌های ترکیه را که بنه بسرگز اصلی خود برده بودند با در غم زندان‌ها جای میداد و یا پشت مامورین سبرده، باعث فشار قرار دادن آنها را و ادار به خلاف کاری نموده به رفتاری زده‌ای خود ملحق میساخت هر چنه تاریخ ملی ایران بی ملاقکی دولت را به نهضتای ملی کرده‌های خارج از مرز هلو و احساس نخواست کرد بسا این سالی ممکن است گنه خود برای اینکه دولت ترکیه به سیاست بانتر و ایسم خود خدمت ندهد و در تعلیقات خود کیریم در میان آذربایجان ترک زبان تعلیقی قائل شود دولت ایران خود را نایب‌ساز میدید در خاموش نمودن حرکات انقلابی کرده‌های ایرانی بزاد ترکیه باجهسوری ترکیه همکاری بنشاید.

آن چیزی که موود تر سب زمامداران گذشته بود امروز بشکل دیگری جلوه گرفته. آذربایجان برای استحصال آزادی اداری و زبانی خود فدهلم کرد و دیگر مسئله‌ای نمانده که دولت ترکیه در چنایز خود قوای دفعه و دیگر سلاحی همانند که زمام داران بان تواریسم بر علیه دولت شاهنشاهی ایران استعمال نموده او را تهدید کنند مانع بر طرفر شده آیا بیایستی دیگر متوجهت هم ملنی شود؟ اهال گذشته اسمیل آقا سینتو سنگی است که گاهگاه بطرف کردها پرتاب میشود، من نخواستیم ظلم و خون ریزی‌های مشارالیه را برده پوش کنیم چیزی که ناکرش ضروری است دانستن قیام یک سردار کرده بر علیه دولت ایران میباشد.

روزی که جسر آقا برادر بزرگ اسمیل آقا از طرف ابالت آذربایجان به تبریز دعوت شد و مشارالیه با هفت هشت سوار برجسته خود به تبریز وارد و برای شرفیابیی به تنهایی داخل طالار ابالت شد و در این طالار بجای

دهدار حکومت خفله دروغ خود غلطیده هربت شهادت توحید هکر بود که هکس السلسلی مانند حله های برادر ترس کوچک خود سبقتو را در پس خواهد داشت. علاوه بر این روزی که مارشون غلیبه بزرگ آسوریا برای تصرف و تقسیم آذربایجان در میان کرده و آسوری تکلیفی با اسمیل آقا نمود مشارالیه ابالت آذربایجان را از قبضه مستعصره دولت خود را به دولت ایران و اعلام دانست تمهید مینشاید مارشون را کشته بشد این خطار را از ایران دفع کند اسمیل آقا به وعده‌های دولت اعصاب و مارشون را در «کینه‌شیر» و در میان سلاطه ایران آسوری با دست خود کشته خطه آذربایجان را حفظ نمود ولی در عوض تقاضا لقب سرداری و یک شیر مرغ دریان کرد و از وعده اعصابی اسلحه و مهبت اثری نشد. اگر اد غیر مسلح سلسا و رضایتی در مرض عجم شده بدنتلشاه آسوریا و ارمنی‌ها که کله و کتله گذاشته شده بادت نقل عام حذران شنواوه اگر اد گردید. بدین بود که این عمل خاطر ت تلغی در دلهای بی آرایش کردها بجا خواهد گذاشت.

پس از این نداداری و خسارت جانی و مالی روزی که اسمیل آقا در شاه خود آرام نشت بود دخترانی چه فتشکی بنشورن تقدیم و آنها هم بهی از جانب منتقدین خوی عمری آورد بنوای که از خود سینتو روایت میشود با دهن چبه فتشک لرزه بر انداش هارض و این تاثیر چبه را در حال خود باطرافیان میگوید چون بسر کوچکش خسرو در این وقت بود او بود و امرار به باز کردن چبه میکند اسمیل آقا چبه را قدری از خود دور کرد و یکی از خدمتکاران دستور باز کردن آرا میدهد همینکه در چبه باز میشود پس که در درون آن بوده ترکیه شس باز نشسته و راستلاشی و چنه نفر از اطرافیان را مقتول و مجروح می نماید.

کشتن سینتو با عده‌ای از روسای هشایر بزرگ هرگی در اهتو نوست و دیگری از طرف کشتن جسر آقا برادرش بود حد هم توفیق و در عصر فجر زده‌ای کردن حورخان خرفلی که لفظ بوسینه مشارالیه بود که در سال ۱۹۲۶ سینتو در ناحیه سلسا شکست خورد و به شک عراق متواری شده بود و پس از سینتو هم به حق و به خدمات صادقانه‌ای که بدولت نموده بود ریاست ایل هکس را داشت با وقایع حرن آوود دیگر که از ذکر آنها اجتناب نمودم همکارهای دیگری بوده اند که حرکات امروزه کردستان هسانی را بی‌درزی نموده اند. در زده گالی ملل واحدهایسی زمان سال لیست، قرن است، لداشچه هر صلرا باید چشم چنه بن سال حد نگر بست تا تاثیرات روزانه آن.